۱۸. رؤیت هلال (۱۴۰۳/۰۸/۱۴)

سال تحصیلی (۱۴۰۴-۱۴۰۳) - دوشنبه،۱۴ آبان ۱۴۰۳ موضوع:

- پیش‌گفتار(چکیده)
- خصوصیت ویژه هلال جمادی الاولی سال ۱۴۴۶
- سه گام در مبنای اشتراک افق در تاریخ فقه
  - الف) مبنای مشهور در اشتراک افق؛ دخالت طول جغرافیایی در رؤیت پذیری
  - ب) اشتراک افق در منظر آیت‌الله سیستانی؛ دخالت طول و عرض جغرافیایی در رؤیت پذیری
  - ج) دخالت عرض سماوی قمر در رؤیت پذیری؛ تطبیق آن با نقشه رؤیت پذیری جمادی الاولی ۱۴۴۶
- اشتراک افق زمانی
- سؤالات بعد از درس:

پیش‌گفتار(چکیده)

موضوع اصلی:
هلال جمادی الاولی1446.

موضوعات فرعی:
خصوصیت استثنایی این هلال، سه مرحله در بحث اشتراک افق؛ دخالت طول جغرافیایی در اشتراک افق، دخالت عرض جغرافیایی در اشتراک افق، دخالت عرض سمای ِقمر در اشتراک افق، خط غروب، اشتراک افق زمانی

خصوصیت ویژه هلال جمادی الاولی سال ۱۴۴۶

(00:12)

بحث در خسوف و کسوف بود، ولی چون ماه جمادی الاولی شروع شد، هلال دیشب یکی استثنائی در بحث فقهی است. لذا اینجا بین بحث خسوف و کسوف پرانتزی باز کنید برای خصوص هلال دیشب. به اندازه ده دقیقه توضیح عرض میکنم؛ چون یک هلالی است که از جهت خصوصیاتش خیلی جالب است. به نظرم در تقویم ها یکی شنبه را اول ماه نوشته بودند.

شاگرد: ظاهراً آقای سیستانی دوشنبه را اول ماه اعلام کردهاند.

استاد: اصلاً شب یکی شنبه حتی با تلسکوپ جایی [هلال را] ندیدند. این است که عرض میکنم حالت استثناء دارد. ولی دیشب[شب ِدوشنبه] بهخوبی دیده شد. نکتههای که در اینجا هست و میخواهم توضیح آن را عرض کنم، این است: ببینید هنوز غروب نشده بود، ساعت چهار و بیست دقیقه عصر جمعه مقارنه شروع شده بود. تا عصر روز شنبه، بیست و چهار ساعت در شده بود. وقتی چهار و بیست دقیقه، تا پنج و نیم که اینجا در قم غروب است، یکی شبانهروز از مقارنه گذشته بود. بیست و پنج ساعت از مقارنه گذشته بود. وحتی با تلسکوپ ندیدند.

شاگرد: در ایران؟

استاد: بله. خب هلال دیشب از این نظر خیلی اهمیت دارد. تازه اولین بار دیشب دیدند، شب یکی شنبه ندیدند. اما شب یکی شنبه، بیست و پنج ساعت عمر هلال بوده. یکی شبانهروز از مقارنه گذشته بود. دیشب که دیدند بیش از دو شبانهروز گذشته بود. شب یکی شنبه که اصلاً ندیدند، ولو با تلسکوپ. دیشب که دیدند و می شده همه با چشم عادی ببینند، بیش از دو شبانهروز گذشته بود. نزدیک چهل و نه ساعت و پنجاه و چهار دقیقه گذشته بود. یعنی از بیست و نه روز و نیمی که از مقارنه تا مقارنه داریم، در این ماه جدید بیش از دو شبانهروز از مقارنه گذشته بود و تازه شب دوشنبه دیدیم و لذا دو شنبه را اول ماه میگذاریم. در نرمافزار هم همین را نشان میدهد که در اینجا نمیتوانید با تلسکوپ هم ببینید. حالا تقویم را نمیدانم بهخاطر چه محاسباتی گذاشتهاند.

شاگرد: در جاهایی با چشم عادی دیده می شده.

استاد: نه، میخواهم این را توضیح بدهم. در هیچ کجای ایران و حتی در عربستان نمیتوانستند با تلسکوپ هم ببینند. میخواهم این نکته را توضیح بدهم. چون وقتی نگاه کردم، دیدم هلال دیشب یکی استثنائی در برداشت که از نظر بحث فقهی راهگشاست. حالا من یکی مقدمه بگویم تا برگردیم و ببینیم ماه دیشب به چه صورت بوده که با وجود بیست و پنج ساعت سن هلال باز هم نمی شده آن را ببینند، الآن نیاز بوده حدوداً چهل و نه ساعت بگذرد تا دیشب ببینند. این به چه صورت میشود؟

ببینید در فقه چهار مسأله داشتیم؛ مسائل عدد، رویت قبل از زوال، اشتراک افق و تلسکوپ. در تاریخ فقه این چهار بحث به ترتیب در زمان‌های زنده شد. عدد همان اوائل بود. رویت قبل از زوال در قرن یازدهم بود. اشتراک افق در قرن چهاردهم بود که خیلی داغ شد. تلسکوپ که در قرن پانزدهم است که ما هستیم. الآن بحث ما در بحث سوم است؛ اشتراک افق. می‌گویند مشهور اشتراک افق را شرط کرده‌اند، در کلمات قدماء از شیخ و دیگران قرب البلدان آمده است؛ البلدان القریبه. تعبیری فقها این بود.

شاگرد: خود مرحوم شیخ در مبسوط اینگونه می‌گویند.

استاد: بله، مبسوط متخذ از بعض کتاب‌هایی است که فقه عامه هم بوده.

شاگرد: بعد از مرحوم شیخ هم تا اواخر قرن ششم معلوم نیست شهرتی منعقد بوده باشد.

استاد: ولی خب متاخرین مانند محقق و دیگران دارند.

سه گام در مبانی اشتراک افق در تاریخ فقه

الف) مبانی مشهور در اشتراک افق؛ دخالت طول جغرافیایی در رؤیت پذیری

(6:44)

این اشتراک افق سه مرحله دارد. سه گام دارد. آن چه که قدیم مطرح بود و بعداً در قرن چهاردهم داغ شد، مرحله اولش است. مرحله دومش تغییر فتوای حاج آقای سیستانی است. قبلاً فتوایشان بود و تغییر کرد. خودشان هم توضیح دادهاند. مرحله سومش همین هلال ماه ما است که میخواهم توضیح بدهم.

شاگرد: فتوای آقای خوئی یا آقای سیستانی؟

استاد: فتوای آقای خوئی که عوض نشد. ایشان از اول گفتند که اشتراک افق را شرط نمیدانم.

شاگرد۲: آقای سیستانی اول مثل آقای خوئی بودند و بعد برگشتند؟

استاد: نه، اول مشهور را میگفتند. در تبدیل فتوا، اضافه بر مشهور گفتند. یعنی تغییر فتوایشان طوری بود که از مشهور فاصله گرفتند. حالا توضیح آن را عرض میکنم. من مثالهای بیرونی را بزنم تا تفاوت در اشتراک در ذهن شریفتان بیاید. ببینید مشکلی که ما از قدیم در اشتراک افق در فقه داشتیم و فقها هم فرمودهاند و تا قرن چهاردهم آمد، این بود: بلادی هستند که چون اشتراک افق ندارند، وقت غروب آن شهر، هلالِ از تحتالشعاع بیرون آمده، ندارید. اصلاً هلال از تحتالشعاع بیرون نیامده. ما در قم هستیم و وقت غروب ما است، به افق نگاه میکنیم و میبینیم هلال نیست. چرا آن را نمیبینیم؟ چون اصلاً از تحتالشعاع بیرون نیامده. یک ساعت بعد در نجف به افق نگاه میکنند و آن را میبینند. چرا میبینند؟ چون غروب آنها یک ساعت بعد از ما است. در این یک ساعت قمر از تحتالشعاع بیرون آمده. خب به چه مجوزی شما میگویید وقتی در قم هلال بیرون آمده از تحتالشعاع نداشتیم، باید همراه نجف و بغداد بشویم؟! آنها بلاد غربی هستند و برای خودشان است. بلد غربی یک ساعت بعد از ما، در افق آنها هلال از تحتالشعاع بیرون آمده و آن را میبینند، خب فردا را عید بگیرند. فرض ما در قم این است، اهل فن میگویند، چشم میگوید، که ما وقت غروب در قم هلال نداشتیم. چون از تحتالشعاع بیرون نیامده. این مرحله اول بحث اشتراک افق است. مشهور میگفتند اشتراک افق شرط است. یعنی رویت در بلد غربی با یک ساعت، دو ساعت، چهار ساعت فاصله برای بلد شرقی کفایت نمیکند. ما اگر در قم هلال را ببینیم در کابل کفایت نمیکند. چون کابل یک ساعت قبل از ما غروب کرده، در همین فاصله قمر از تحتالشعاع بیرون آمده و محاسبه اش هم معلوم است. نیم ساعت بعد از غروب کابل، تازه هلال از تحتالشعاع بیرون آمده و ما در قم میبینیم و آنها نمیبینند. پس این مرحله اول اشتراک در افق است. یعنی اشتراک افق میگوید اگر افق مشترک نباشد، شما در شرق هستید و هلال از

تحت‌الشعاع برای شما بیرون نیامده بود ولی در غرب شما بیرون آمده، برای شما کفایت نمی‌کند. اشتراط شرط است.

شاگرد: این برای مرحله دوم است، مرحله اول که اصالً شرق و غرب ندارند. مطلقاً اگر در یک شهری ببینند، از شهر دیگر کفایت نمی‌کند. غرب و شرق هم در اواخر قرن ششم نبوده. می‌گویند رویت مهم است. هر شهری حکم رویت خودش را دارد.

استاد: فقهای بزرگی که دنبال آن عبارات گفته اند، از آن‌ها می‌فهمیم که فهم فقهای بزرگ از عبارات فقهای پیشین هم همین بوده. ولذا روایت یقطینی که می‌گفت ما در بغداد هستیم و هلال ندارید، اما «قوم من حُسّاب» و یک عده‌ای از اهل حساب هستند که می‌گویند درست است که شما در بغداد هلال ندارید اما همین امشب در مغرب و در اندلس و در الجزائر هلال دارند. سه-چهار شهر را گفت؛ اندلس، مصر، افریقی. گفت در آن جا می‌بینند. خود این روایت کاشف از این است که مطلب مطرح بوده؛ غرب و شرق. لذا وقتی می‌گفتند اگر شما ندیدید، یعنی چون شرقی هستید ندیدید. اگر در بلاد غربی شما دیدند فایده‌ای ندارد. آن هایی که اشتراک را شرط می‌دانستند. آن هایی که شرط نمی‌دانستند، از قدیم می‌گفتند اگر شما دانستید ولی همین امشب در اسپانیا و افریقا دیدند، برای شما هم کافی است. این مرحله اول بود.

با این مرحله، الآن بلادی که در طول جغرافیایی با هم شریک هستند؛ یعنی نصف النهار همه آن‌ها یکی است و نماز ظهر را با هم می‌خوانند. حال این بلاد دیگر شرقی و غربی نیست. شرقی و غربی، آن هایی است که از طولش بیشتر است شرقی می‌شود، اگر طولش کمتر است غربی می‌شود. این برای اشتراک در مرحله اول است. اما عرض جغرافیایی دخالت دارد یا ندارد؟ در همین خروج از تحت‌الشعاع دخالت دارد. خیلی ساده؛ ما الآن در قم هستیم، در غروب قم، در ساعت پنج و نیم هلال را می‌بینیم، در عرض شمالی ما بروید؛ مثلاً مسکو؛ اصلاً ظهرشان با ما یکی است. نصف النهار ما با نصف النهاری که عرض شمالی زیادی دارند، ظهرمان یکی است. نصف النهارمان هم یکی است. خب حال که نصف النهار ما یکی است، در قم همین امروز هلال را دیدیم که از تحت‌الشعاع بیرون آمده، آیا برای آن‌ها هم بیرون آمده و این کافی است یا نه؟ مثلاً در همین دی ماه و آذرماه، این خروج برای آن‌ها کافی است یا نه؟ همین مشکلی که الآن گفتم در اینجا هم مطرح است. چرا؟ چون درست است که ظهرمان با مسکو یکی است؛ در طول و نصف النهار مساوی هستند، اما چون عرض متفاوت دارد، طلوع و غروب آن‌ها فرق می‌کند. ما در ساعت پنج و نیم در قم هلال داریم، اما در مسکو در ساعت سه و نیم غروب شده. چهار بعد از ظهر غروب کرده؛ و روی محاسبه دقیقاً می‌دانیم وقتی در ساعت چهار داشت غروب می‌کرد، در افق خودشان اصلاً هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده. پس یک جور اشتراک افق با آن‌ها داریم، چون طولمان یکی است؛ نصف النهارمان یکی است. اما چون عرض آن‌ها زیادتر از ما است، چون غروب آن‌ها جلوتر است، آن‌ها هلال ندارند. یعنی گویا ملاکی که در شرقی و غربی داشتیم و گفتیم طلوع ها تفاوت می‌کرد، فاصله زمانی سبب می‌شد که وقت غروب او هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده باشد، این ملاک در اینجا هم هست. در نصف النهار یکی هستند ولی غروب آن‌ها فرق دارد. یک ساعت، یک ساعت و نیم قبل غروب شده، در همین فاصله ماه در قم از تحت‌الشعاع بیرون آمد لذا ما هلال داریم و آن‌ها ندارند. پس در اینجا هم می‌گوییم ولو با ما شریک هستند اما امشب شب اول ماه‌شان نیست. چون در وقت غروب‌شان هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده. تا اینجا مرحله اول بحث بود. اشتراک افق به این معنا که افق‌های مشترک کجا هستند؟ وقتی در یک افق دیدیم، در افق مشترک ما هم در وقت غروب‌ش باید قمر از تحت‌الشعاع بیرون آمده باشد. این میزان اشتراک افق در مرحله اول است. لذا مشهور طبق فتوای خودشان که اشتراک افق را شرط می‌دانستند، باز این را قبول داشتند که رویت در بلد شرقی «یکفی للبلاد الغربیة». وقتی شما در بلاد شرقی و کابل دیدید، برای قم هم کافی است. برای اصفهان کافی است؛ ببینند یا نبینند. این فتوای مشهور است. چرا؟ چون در بلد شرقی دیده شد. در شرق از تحت‌الشعاع بیرون آمده، لذا دیگر هلال داریم. این کافی است. مشهور این را می‌گویند. خب چرا الآن در عرض شمالی قبول نکردید؟ چون غروب آن‌ها زودتر بود و هلال نداشتند. مشکل این بود که در وقت غروب هلال نداشتند.

ب) اشتراک افق در منظر آیت‌الله سیستانی؛ دخالت طول و عرض جغرافیایی در رؤیت پذیری

(16:39)

خب در اسئلة [حول رؤیة الهلال، مطلبی] فرموده اند که باید نکته‌ای را تذکر بدهم. حاج آقای سیستانی قبلاً همین حرف مشهور را داشتند -نه حرف استادشان- و به این تتمه هم تصریح داشتند؛ همان حرف مشهور که می‌گفتند «الرویة فی البلاد المشرقیة یکفی للبلاد الغربیة»؛ چون از تحت‌الشعاع بیرون آمده، وقتی بیرون آمده چه مشکلی هست؟! بعد به یک چیزی برخورد کردند و فتوایشان عوض شد. یک اضافه‌ای زدند؛ آن اضافه مهم است. این گام دوم اشتراک افق است. می‌فرمایند: با اینکه هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، و در بلد شرقی هم دیدند اما باز ممکن است یک بلد غربی باشد که دیده نشود. چون عرض جغرافیایی بلد غربی طوری است که ارتفاع هلال از افق به قدری پایین است که اصلاً در آن جا هلال را نمی‌بینند؛ حتی با تلسکوپ. مثل غروب مسکو یک ساعت و نیم قبل از ما است. حالا در مثال ایشان به قم می‌آیی که در وقت غروب هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده ساعت پنج و نیم و آن را دیدیم. اما غروب لندن متأخر از ما است. خیلی هم متأخر است. نه اینکه غروب آنها زودتر باشد. غروبشان بعد از ما است. چون غروبشان بعد از ما است، مثلاً فرض بگیری ساعت هفت شب ِما آن جا دارد غروب می‌کند؛ ما [ساعت] پنج و نیم هلال را دیدیم؛ ساعت هفت شب ِما که آن جا دارد غروب می‌کند، هلال دارند یا ندارند؟ هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، ما که دو ساعت قبلش دیدیم. هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده اما چون عرض جغرافیایی آنها خیلی شمالی است، ارتفاع هلال اندازه‌ای نیست که آن را ببینند ولو با تلسکوپ. و لذا فتوای ایشان عوض شد و فرمودند عرض جغرافیایی هم دخیل است. ولو در شرق دیدید، اما چون عرض لندن بالا است ولو غروبش بعد از ما است، درعین‌حال کافی نیست. امشب شب اول ماه برای لندن نیست، چون در آن جا نمی‌بینند. حالا تلسکوپ را که قبول ندارند. من می‌خواهم عرض کنم حتی با تلسکوپ هم دیده نمی‌شود.

شاگرد: چون ارتفاع هلال پایین است.

استاد: بله، ایشان هم می‌گویند باید هلال را ببینیم؛ میقات ناس است و مردم آن بلد باید ببینند. اینها نمی‌بینند؛ ممکن است اصلاً با تلسکوپ هم نبینند. بگویید خب از تحت‌الشعاع بیرون آمده! می‌گویند ما این حرفها سرمان نمی‌شود که بیرون آمده یا نیامده، آن مالک اوّلی بود. خودشان هم می‌گویند که فتوای ما سالها همین بود. یعنی چون به این نظر داشتیم که وقتی در شرق هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده، می‌گفتیم برای غرب هم کافی است. اما الآن

می‌گویی‌م صرف اهلال ِهلال که می‌زان نشد، باید در بلد ببینند؛ به‌خاطر می‌قات در مبانای خودشان می‌گویند پس با این‌که علم داری‌م در وقت غروب لندن هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده و در شرق لندن، دو ساعت قبلش هم دیده‌اند ولی چون امکانیت رویت هلال در افق لندن نیست، کافی نیست. این تغییری فتوای ایشان بود.

شاگرد: دقیقاً ً مثل همین ماه است.

استاد: نه. اصلا ً برای این مطرح کردم که هلال دیشب و پریشب چیزی سومی است.

جلوتر عرض کرده بودم، صاحب هیوایات فقهیه در کتابشان استدارک آورده بودند؛ وقتی برای ایشان در اسئلة ُتغییری فتوا آمد، در صدد آمدند تا با مراسله حل کنند، جواب بدهند و نگذارند این فتوای جدید بماسد. حتی در سؤال و جوابی که در سایتشان آمده، طرف می‌گوید: خب دراین‌صورت گاهی تفاوت در کره زمین به سه روز می‌رسد! می‌گویند: معلوم نیست برسد اما اگر هم رسید ثم ماذا؟! بشود! وقتی نوعی شد، در کره زمین سه تا اول ماه داری‌م؛ مشکلی ندارید.

شاگرد: در روایت دارد «اذا رایتم الهلال فصوموا»، لذا به دقائق علمی نیازی نیست. درآن زمان که تلسکوپ نبوده. موضوع دیدن است؛ اگر دیدی روزه بگیر و اگر ندیدی نگیر.

استاد: البته راجع به این‌که روایات «صم للرویه» موضوعیت دارد یا نه، امروز دیدم که جلسه دویست و شصت و پنجم است. دویست و شصت و پنج جلسه راجع به رؤیت هلال بحث کرده‌ی‌م. بخشی از این جلسات راجع به این بحث شد که «صم للرویه» استصحاب است یا موضوعیت است. مفصل کلمات علماء را بحث کرده‌ی‌م. اینجا خیلی مهم بود. این جلسه دویست و شصت و پنجم خلاصه همه مباحث ما است. اگر این هایی که امروز عرض می‌کنم در ذهنتان واضح نشود، آن چه که مقصود من از این مباحث بوده را نرسیده‌ی‌م. لذا دیدم که هم مناسبت ماه دیشب است و هم بحث علمی را پیش می‌برد و هم خلاصه همه آن بحث‌ها است.

شاگرد۲: بالأخره محصل فتوای آیت‌الله سیستانی چه شد؟ اتحاد افق را به چه بیانی شرح کرده‌اند؟

استاد: ایشان می‌گویند باید طوری باشد که وقت غروب این بلد، هلال داشته باشی‌م. هلال قابل رؤیت، نه هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده. هلال قابل رؤیت در این بلد داشته باشی‌م و ببینند. خب اشتراک افق یعنی چه؟ یعنی برای هر شهر دیگری هم که مثل ما در این لحظه غروب، هلال قابل رؤیت مثل ما دارند ثابت است.

شاگرد: پس اشتراک افق چه کاره است؟

استاد: ایشان شرط می‌دانند.

شاگرد: اگر باز امکان رؤیت با چشم عادی باشد، این امکانش به چه صورت محقق می‌شود؟

شاگرد۲: مثلا ًابر باشد.

شاگرد: صرف وجودش ملاک است؟ یا ... .

استاد: نه، امکانیت. قبلا ًبحث‌هایش شده است. می‌گویند حتی با این‌که بلد غربی است، اما حتی با تلسکوپ، هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده‌ای که در بلاد شرقی دو ساعت قبل آن را دیده‌اند، اما در بلد غربی نمی‌توانند همین هلال را ببینند. چرا؟ چون عرض جغرافیایی زیاد است.

ارتفاع هلال کم است.

شاگرد: اگر با تلسکوپ در بلد غربی دیده شد، مشکلی نیست؟

استاد: نه، ایشان می‌گویند اگر در لندن با تلسکوپ دیده شود باز ما قبول نداریم. بحث را باز می‌کنند. ایشان می‌گویند چون تلسکوپ را قبول نداریم، در قم که با چشم عادی دیدند، در لندن فقط با تلسکوپ می‌بینند، نزد ایشان باز مجزی نیست. ولی من می‌خواهم بگویم حتی فرض دارد که با تلسکوپ هم نبینند.

ج) دخالت عرض سمای قمر در رؤیت پذیری؛ تطبیق آن با نقشه رؤیت پذیری جمادی الاولی ۱۴۴۶

(25:25)

خب این گام دوم بود؛ اینجا چه شد؟ در گام اول، اشتراک افق شرط بود. چرا؟ چون افق سبب می‌شد که در یک جا هلال از تحت‌الشعاع بیرون نیامده باشد و نبیند، اما دیگری از تحت‌الشعاع بیرون آمده بود. گام دومی که سبب تغییر فتوای ایشان شد، چه بود؟ این فرض که ولو هلال از تحت‌الشعاع بیرون آمده اما عرض جغرافیایی بلد نمی‌گذارد که آن را ببینند. جغرافیا برای زمین است؛ «Geography»؛ گرافی زمین. «Geo» لغت یونانی است؛ حتی الفهرست ابن ندیم هم دارد. این جور یادم هست که ابن ندیم در الفهرست داشت که «جیومتریا». یعنی اندازه یک هندسه را، ما می‌گوییم هندسهٔ الارض، اندازه‌گیری زمین. آن‌ها می‌گفتند جیومتری؛ یعنی اندازه‌گیری زمین. جیو در لغت یونانی به‌معنای زمین است. من احتمال می‌دهم «جا» و «جیو» در اشتقاقات خیلی نزدیک هم هستند؛ با اندک چیزهای جالب. حتی یونانی‌ها جا هم می‌گویند. «جا» و «جیو» به‌معنای زمین است؛ گستر، خاک، بر و بحر، ارض. هر کدام از این‌ها عنایاتی دارد.

حال ببینید عرض جغرافیا؛ وقتی می‌گوییم جغرافیا یعنی با زمین کار داریم که روی کره زمین چسبیده و برای خودش عرض و طول دارد. این عرض نمی‌گذارد که هلال پایین را ببینیم. پس در تبدیل فتوای ایشان، آن چه که باید مد نظر قرار بدهیم و دخالت می‌کند، عرض جغرافیایی است.

خب هلال دیشب که وقتان را گرفتم به این صورت است؛ با این توضیحاتی که دادم هلال دیشب اصالً ربطی به این ندارد که در قم ببینیم و بعداً در لندن غروب کند، که عرض لندن زیاد است. یک رؤیت هایی داریم که مربوط به عرض جغرافیایی زمین نیست. بلکه به عرض سمای قمر مربوط است. اصالً ربطی به عرض جفرافیایی بلاد ندارد. عرض سمای قمر وقتی در یک چیز دخالت می‌کند، تفاوت می‌کند با این‌که عرض جغرافیایی خود بلد برای آن چیزی را تعیین کند.

شاگرد: مراداتان از عرض سمای چیست؟

استاد: خب توضیحات این جلسه؛ حال برگردیم به آن چه که گفتم. دیشب هلال به چه صورت بوده؟ غروب جمعه ساعت چهار و بیست دقیقه مقارنه بوده. غروب شنبه (پری روز) یک شبانه‌روز از مقارنه گذشته بود. بیست و پنج ساعت گذشته بود. ولی در تمام ایران و عربستان حتی با تلسکوپ ندیده بودند. بیست و پنج ساعت عمر هلال را ندیده بودند! خب دیشب دیده‌اند؛ امروز هم

روز اول ماه می‌شود. دیشب که دیدند، عمر هلال چقدر بوده؟ عمر هلال بیشتر از دو شبانه‌روز بوده؛ حدوداً چهل و نه ساعت عمر هلال بوده که دیده شده. چرا به این صورت است؟ حالا نقشه را ببینید. نقشه در همه جا هست. در کانال‌ها، در سایت‌ها. فوری سهمی ای که باراها عرض کرده‌ام جلوی چشمتان می‌آید. اینکه عرض کردم جلسه دویست و شصت و پنج را به‌خاطر داشته باشید، برای این است که بعداً اگر از این شکل سهمی سر در نیاوردی و این مطالبی که بحث کردیم را نتوانستید به‌راحتی روی آن پیاده کنید، مباحثه ما به آن مقصودی که داشتیم نرسیده است. الآن هم اگر می‌بینید ذهن شریفتان کند است، حتماً وقت بگذارید تا این شکل سهمی را روی معیار ایلوپ بررسی کنید. آقای احمد عوده دقائقی که منظور ما است را نمی‌آورد؛ پارامترها را کمتر گرفته است. در کانال‌های ایتا که نوعاً گزارش هلال می‌دهند، نوعاً هم از ایلوپ می‌آورند که خوب هم هست.

در صفحه‌ای که می‌بینید پنج چیز هست اما چهارتا از آن‌ها نمود دارد. شما حتماً باید در عکس این سهمی این پنج چیز را در نظر بگیرید. دو تا نمودش روشن است؛ یکی خط‌های عمودی است که نصف النهار بالا است. مبیّن طول بلد است؛ خط‌های عمودی در این عکس مبین طول بلد هستند و نصف النهار هستند. یکی هم خط‌های عرضی هستند؛ این‌ها برای عرض بلد هستند تا دون درجه می‌روند؛ عرض شمالی و عرض جنوبی. این دو روشن هستند؛ دو پارامتری هستند که طول و عرض جغرافیای را تعیین می‌کند. یعنی روی سطح زمین برای بلد دارد کار را تعیین می‌کند.

دو تا چیز دیگری را گذاشته که آن‌ها هم خیلی خوب است. اولی سن هلال است که با رنگ نشان می‌دهد. از یک ساعت تا پنج ساعت. ظاهراً زیر پانزده ساعت را نیاورده است. از پانزده ساعت تا بیست ساعت مثلاً زرد است. از بیست ساعت تا بیست و پنج ساعت مثلاً نارنجی است. از بیست و پنج ساعت تا سی ساعت همینطور جلو می‌رود و تا چهل ساعت را آورده است.

شاگرد: ساعت‌ها را کجا نوشته؟

استاد: همان پایین دست راست.

شاگرد۲: از شروع مقارنه می‌گیرند؟

استاد: از شروع مقارنه می‌گیرد تا جایی که زرد شروع می‌شود. زرد بعد از پانزده ساعت است. وقتی منزل تشریف بردید حتماً این‌ها را نگاه کنید. بسیار مهم است. تا این تصویر در ذهنتان باز نشود، مقصودی که از این بحث‌ها می‌خواستیم نتیجه ندادهٔ.

بنابراین با رنگ سن هلال را که از مقارنه گذشته نشان می‌دهند. اگر می‌بینید در محدوده زرد هستید، بدانید که بین پانزده تا بیست ساعت از عمر هلال گذشت است. اگر طرف راست زرد هستید، پانزده ساعت گذشته. اگر طرف چپ زرد هستید، بیست ساعت گذشته است. اگر طرف راست رنگ صورتی هستید، شروع بیست ساعت است. اگر طرف چپش است بیست و پنج ساعت گذشته است. رنگ‌ها دارد ساعت و سن هلال را از مقارنه نشان می‌دهد. اینکه رنگ را به کار برده خیلی خوب است؛ آدم فوری می‌فهمد که هر جایی سن هلال چقدر است. از مقارنه چقدر گذشته است.

چهارمی آن، سهمی است که بسیار مهم است. اصلاً این را برای همین آورده است. سهمی برای چیست؟ برای شرائط رؤیت پذیری هلال است. سهمی‌ای با چهار لایه است. لایه رویی فقط با تلسکوپ می‌توان دید. لایه بعدی با تلسکوپ حتماً باید آن را پیدا کنید ولی محال نیست که با چشم هم آن را ببینید؛ حدی البصر که باشید بعد از اینکه با تلسکوپ پیدا کردید می‌توانید در لایه دوم آن را ببینید. لایه سوم، این است که اگر شرائط خوب باشد آن را می‌بینید. لایه چهارم دیگر همه به‌وضوح آن را می‌بینند؛ همین که چشم در افق می‌افتد آن را می‌بینید؛ شب اول ماه هم هست. این آن جور وقتی است؛ یعنی هلال در لایه چهارم است. پس لایه‌های سهمی هم پارامترهایی در این عکس است که باید به‌عنوان چهارمین امر در نظر بگیرید.

سه‌مه‌ای است که لایه لایه است؛ وسطش پر رنگ است؛ آن جا به‌راحتی می‌بینند. لایه بعدی اگر شرائط خوب باشد می‌بینند. لایه بعدی با تلسکوپ باید آن را پیدا کنید و بعد آن را ببینید. آخرین لایه که روی سر سه‌می است فقط با تلسکوپ دیده می‌شود.

حال ام یک چیز پنجمی داریم که به بحث ما مربوط می‌شود. بیشتر به گام سوم مربوط می‌شود؛ امر پنجم چیزی است که از رنگ‌ها حاصل شده؛ در این شکل، ساعت‌ها سن هلال را رنگ‌آمیزی کرده؛ یعنی گفته وقت غروب بلد سن هلال چقدر است. نه فقط سن هلال، بلکه در وقت غروب. پس تلفیقی است از سن هلال با غروب بلد. حاصل شد ِاین دو، مطلب خیلی نافعی شده؛ خط غروب. خط غروب یعنی یک خطی که نه ربطی به نصف النهار و طول جغرافیای دارد و نه ربطی به عرض جغرافیای دارد؛ بلکه ربط به این دارد که چه زمانی است؛ زمستان است؟ تابستان است؟ کدام یک از فصول است؟ میل خورشید... . این هم ربطی به بالا ندارد؛ به کل نیم کره شمالی و جنوبی ربط دارد. نیم کره شمالی و جنوبی جغرافیایی نیست که بگویی طول و عرض جغرافیایی. طول و عرض قمر دخالت دارد. قمر اگر در عرض جنوبی است، یعنی زیر استوا است، هر چه رؤیت هلال هست در نیم کره راحت است اما در نیم کره شمالی آن را نمی‌بینند. اگر عرض شمالی است، برعکس است؛ آنها خوب نمی‌بینند و اینها می‌بینند. بنابراین در هلال دیشب چرا مجبور بودیم دو شبانه‌روز صبر کنیم تا به‌وضوح دیشب آن را ببینیم؟ چرا شب یک شنبه حتی با تلسکوپ ندیدیم؟ تمام نیم کره شمالی ندیدند. چرا؟ چون عرض قمر جنوبی بود. عرض جغرافیایی نیست؛ عرض قمر در اینجا برای کل، جنوبی است. احتمال می‌دهم صاحب هویات وقتی رفتند فتوای حاج آقای سیستانی را عوض کنند، در رفت‌وبرگشت و جواب، یک دفعه در کتابشان «استدراک» نوشتند. یعنی فتوای من عوض شد. چندبار عرض کردم؛ چه گفتند که فتوایشان عوض شد؟ گفتند وقتی در مراسلات با حاج آقای سیستانی رفت‌وبرگشت کردیم و تدقیق کردیم، به‌شدت در هویات مدافع قول مشهور بودم که اشتراک افق شرط است، اما در رفت‌وبرگشت‌ها برایم واضح شد که اشتراک افق شرط نیست. این خیلی جالب است. یک کسی که محکم مدافع این بوده، برگردد. چرا؟ چون رفتند نگاه کردند.

ماه دیشب همین کار را با شما می‌کند، اگر تأمل کنید. برای این مطرح کردم. اگر نقشه را خوب دقت کنید و خصوصیات را ببینید، مجموع مطالب را در نظر بگیرید، بعد می‌بینید آیا باز هم باید اشتراک افق را بگوییم؟! من شروعش را عرض می‌کنم تا ملش با خودتان. لذا گفتم این جلسه مهم است.

اشتراک ِافق ِزمانی

(38:44)

ببینید در اینجا ما یک اشتراک افق داریم؛ اشتراک افق ِخیلی خوب؛ اما اشتراک ِافق ِزمانی، نه عرض جغرافیایی یا طول جغرافیایی. اشتراک افق در زمان غروب. یک شهرهایی هستند غروب مشترک دارند. زمان غروب از چه چیزی درآمد؟ از خط غروب. افق هیوی نه؛ یک وقتی ممکن است بگویید این هم که افق بلد است! نه، افق بلد دقائقی است که در علم هیئت میکشند. آن جای خودش است، به طول و عرض جغرافیایی مربوط میشود. اما خط غروب مربوط به اشتراک افق میشود، اما نه افق جغرافیایی بالا، بلکه یک افقی که یک خطی روی کل کره رسم میشود و تابستان و زمستان هم برعکس میشود. لذا در این شکل، رنگها قشنگ آن را نشان میدهد. شما سایتهایی که این شکلها را هر ماه میگذارند، ببینید.

شاگرد:به شرطی که زمان هم شرط باشد. وقتی زمستان تمام می شود ما بر می گردیم

استاد: درست است. ببینید در تغییر فتوا، عرض جغرافیایی بلد را در نظر گرفتهاند، ولو بازگشتش به عرض قمر هم میشود، من حرفی ندارم. اما آن چه که دیشب این ماه برای ما آورده، بزنگاه تغییر فتوای ایشان نیست. اینجا ما یک چیزی داریم که زمان را اصلاً بر میدارد. یادتان هست که روش حذفی را عرض میکردم؟ اصلاًزمان برداشته شده. یعنی در لحظه غروب ما، نه اینکه بگویید دو ساعت دیگر لندن غروب میشود و هلال را نمیبینند. الآن در لحظهای که ما در قم به هلال نگاه میکنیم، در یک جای دیگر غروبشان در همین لحظه غروب ما است و آنها هم دارند به هلال نگاه میکنند. وحدت زمان غروب دارند؛ خط غروب. خطی که به افق هیوی مربوط نمیشود، به آفاق بالا می شود نسبت به تابستان و زمستان بودن، و لذا عرض کردم که شکل را نگاه کنید؛ برایتان جالب میشود. شکلهایی که در تابستان میآیند؛ مثلاًدر تیر ماه؛ میبینید همه رنگها به این طرف(چپ) اُریب است. شکلهایی که در آذرماه میآید رنگها به آن طرف(راست) اُریب است و مایل میشود. چرا؟ چون مرز بین دو رنگ خط غروب را ترسیم میکند. در این شکل خط طلوع نیست؛ فقط خط غروب هست. خط غروب، بالایی را تعیین میکند که نصف النهار و عرض آنها دخالتی ندارد، بلکه زمان در آنها دخالت دارد. یعنی خطی که بین دو رنگ است، این خط به شما میگوید تمام شهرهایی که روی این خط هستند در یک لحظه واحد در آن وقت غروبشان میشود. زمستان بشود برعکس میشود؛ یکی نیستند. نکته این است که اگر این بالا، جغرافیایی بود ثابت بود. چون خط غروب، برای تابستان و زمستان است، بالاش هم فرق میکنند. در زمستان قم، با خط غروب یک شهر برابر هستیم، ماه دیگر با خط غروب همان شهر برابر نیستیم. چرا؟ چون الآن در آبان ماه هستیم و بعد به دی ماه میرویم. این نکته مهمی است. پس خط غروب، تعیینکننده هست در مسأله اشتراک افق زمانی. اشتراک افق زمانی یعنی دیگر نمیتوان گفت: ببینم هلال از تحتالشعاع بیرون آمده یا نه. میتوانم بگویم میبینم یا نه. اما دیگر مسأله از تحتالشعاع بیرون آمدن ندارد. لحظه غروب آن و ما یک لحظه است، یکی دارد میبیند و دیگری نمیبیند. خب به‌خاطر شهر من است که نمیبینم؟ نه، وضعیت کل کره این است. شهر من این جور نیست. وضعیت کل کره این است که چون عرض قمر جنوبی است، در نیم کره شمالی دیده نمیشود.

شاگرد: وقتی عرض شمالی تر بشود دیرتر دیده میشود.

استاد: وقتی شمالی تر میگویید به جغرافیا رفتهاید. بیان الآن من این است که اصلاً عرض جغرافیایی بلد جای خودش باشد. مربوط به گام دوم است که ما در شدیم. در گام سومی که من عرض

می‌کنم فقط عرض قمر را در نظر می‌گیری‌م و کل کره. الآن کاری به بالا نداری‌م. در گام دوم جغرافیایی را بحث کردی‌م. آن چه که الآن کارش داری‌م این است که عرض شمالی و جنوبی قمر و این‌که قمر خودش را به نیم کره شمالی یا جنوبی نشان بده یا ندهد، تأثیری می‌گذارد. لذا مثل دیشب ما باید دو شبانه‌روز صبر کنی‌م تا آن را ببینی‌م، آن هم با عمر نزدیک چهل و نه ساعت! چهل و نه ساعت کم است؟!

جالب این است که در همین ماه، غروب روز سی ام دیگر نمی‌توانی‌م ماه را ببینی‌م. چون الآن که شب اول ماه است، دو شبانه‌روز از عمر بیست و نه روز و نیم رفته است. لذا شب سی ام که نمی‌بینی‌م هیچ، شب سی و یکم هم سختمان هست که ببینی‌م. نشد که عکسش را ببینم. یعنی ماه بعد ببینی‌م تصویر رؤیت هلال به چه صورت می‌شود. با این‌که روز دوشنبه را اول ماه بگیری‌م رؤیت هلال شب سی و یکم جمادی الاولی به چه صورت می‌شود. در این سه-چهار روز که فرصت است حتما اینها را نگاه کنید تا برای آن شکل حاضر الذهن باشید.

الحمدلله رب العالمین

سؤالات بعد از درس:

(46:03)

شاگرد: سومی یعنی عرض جغرافیایی نیست، عرض قمر است... .

استاد: بله. عرضی است که ربطی به اینها ندارد. شما باید برای کل کره تصمیمگیری کنید. کل بالا درگیر هستند.

شاگرد۲: یعنی هر کسی در نیم کره جنوبی در خط غروبی دیده باشد کفایت میکند؟

استاد: میخواهم توضیح بدهم؛ ما یک خط غروبی داریم که جالبش این است که جلوتر از ما غروب کرده ولی آن را دیده است، چون هلال از تحتالشعاع بیرون آمده است. جالب است لحظهای که در شنبه در قم و عربستان با تلسکوپ هم نمی دیدیم، کسانی که در خط غروب با ما یکی بودند، یعنی در لحظه غروب ما با چشم عادی و بهوضوح میدیدند. این خیلی مطلب را مهم میکند؛ خلاصه باید تصمیمگیری کند. الآن در این لحظه، ما هلال به این خوبی داریم، فقط عرض هلال اینجور است، ما بگوییم محقق نشده؟!

شاگرد۲: اینکه از علامه میفرمودید امکان ندارد که ماه سی و یک روز بشود، منظورتان همین فرض بود؟

استاد: علامه فرمودند اگر ممکن باشد. من فرمایش ایشان را توضیح دادم نمیدانم همین فرض باشد. ان شاءالله روی آن تأمل میکنم.

والحمد لله رب العالمین